

حقوق جانشینی کشورها در حوزه اقتصادی

علی‌اکبر باقری
(عضو هیأت علمی و مدیر عامل پیام نور)

انتشارات صداقت

سرشناسه	: باقری، علیرضا، ۱۳۵۴-
عنوان و نام پدیدآور	: حقوق جانشینی کشورها در حوزه اقتصادی/مولف علیرضا باقری
مشخصات نشر	: تهران انتشارات صداقت ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۳۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۴-۹۰-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	: حقوق بین الملل
شناسه افزوده	: روابط بین الملل
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ج ۷ ب ۱۰/۱ KZ۳۴۱۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۱
شناسه کتابخانه ملی	: ۳۳۹۳۱۷۳



انتشارات صداقت

آدرس : تهران، میدان تالاب حیات ۱۲ فروردین، پاساژ ۱۲ فروردین، واحد ۶
تلفن : ۶۶۴۰۱۱۱

نام کتاب	: حقوق جانشینی کشورها در حوزه اقتصادی
مؤلف	: علیرضا باقری
طراحی جلد	: محسن ناهید
صفحه آرایي	: سیدعلی محمدی
سال چاپ	: ۱۳۹۲
نوبت چاپ	: اول
چاپ	: صداقت
صحافی	: صداقت
قیمت	: ۱۵۰۰۰ تومان
تیراژ	: ۱۰۰۰ نسخه
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۴-۹۰-۲

فهرست اختصاری

۱	مقدمه
۱	۱- آثار عمومی جانشینی
۹	فصل اول: کلیات مربوط به جانشینی کشورها
۱۱	۱- نظریه های جانشینی کشورها
	۲- تأثیر اعمال نظریه های مختلف در نحوه رفتار کشور جانشین با حقوق مکتسبه بیگانگان و یا اموال و دیون کشور پیشین
۱۸	۳- انتقادات بر نظریه
۱۹	۴- جانشینی و تغییر حاکمیت :
۲۲	۵- معیارهای اساسی برای تشخیص مفهوم کشور جانشین :
۲۳	۶- روشهای عملی تحقق جانشینی کشورها
۲۴	۷- انواع جانشینی کشورها
۲۶	۸- تعریف کشور پیشین، جانشین و ثالث
۲۷	۹- پاره ای از مسائل حقوقی متعاقب جانشینی
۲۸	۱۰- تبعات اقتصادی جانشینی کشورها
۳۰	۱۱- اسناد بین المللی موجود در زمینه جانشینی کشورها در تدوین حقوق بین المللی عرفی
۳۱	۱۲- ماهیت حقوق مربوط به جانشینی در حوزه اقتصادی
۳۳	۱۳- (۲) مشروعیت ایجاد یک کشور در نتیجه جانشینی طبق رژیم منشور ملل متحد
۳۵	فصل دوم: جانشینی کشورها بر حقوق مکتسبه اشخاص
۳۵	۱- کلیات
۴۸	۲- مصادیق حقوق مکتسبه متأثر از جانشینی
۵۳	۳- حدود تعهد کشور جانشین در رعایت حقوق مکتسبه
۵۸	۴- پاره ای مسائل تأثیر گذار بر حقوق مکتسبه
۶۹	۵- نحوه برخورد عملی کشور جانشین با حقوق ناشی از قوانین کشور پیشین
۷۲	۶- دعاوی معلق در دادگاه های کشور پیشین به عنوان حقوق مکتسبه قابل پیگیری:
۷۴	۷- پرداخت غرامت و حقوق مکتسبه
۸۵	۸- رویه کشورها در خصوص رعایت حقوق مکتسبه بیگانگان در جانشینی مختلف:

۱۲۵	فصل سوم - تاثیر جانشینی کشورها بر اموال کشور پیشین:
۱۲۵	۱- حوزه اموال کشور و نحوه برخورد حقوقی:
۱۳۳	۲- شناسایی اموال کشور پیشین
۱۴۶	۳- ماهیت حقوقی رد اموال از کشور پیشین به کشور جانشین:
۱۵۸	۴- عناصر حاکم بر جانشینی اموال
۱۷۸	۵- اصول و عناصر مربوط به جانشینی بر اموال در رویه کشورها:
۲۲۹	فصل چهارم: دیون کشورها متعاقب جانشینی
۲۲۹	۱- تعریف دین:
۲۳۱	۲- سیستم بندی انواع دین و مشخص کردن حدود بحث دیون اقتصادی متأثر از جانشینی
۲۳۲	۳- انطباق انواع دیون با شرایط هفت گانه
۲۴۰	۴- کلیاتی مربوط به ماهیت جانشینی بر دیون:
۲۶۴	۵- انتقاد اساسی بر نظام حقوقی کنوانسیون ۱۹۸۳ در خصوص دیون
۲۶۵	۶- دیون عمومی وثیقه‌ای و اصل شده، تضمین شده، از محل درآمدهای بخشی خاص از کشور:
۲۷۳	۷- دیون کشور جانشین ورز شده:
۲۷۵	۸- اصول تعلق دیون و معیارهای تخصیص دین
۲۷۵	۹- جانشینی کشورها و سود متعلقه به وامها:
۲۷۶	۱۰- نحوه جانشینی بر دیون در انواع جانشینی کشورها:
۲۹۵	۱۱- جانشینی بر دیون در خصوص کشورهای تازه استقلال یافته:
۳۲۰	۱۲- اتحاد کشورها
۳۳۳	۱۳- اضمحلال

مقدمه

۱- آثار عمومی جانشینی

بحث جانشینی کشورها را مسئله اصلی است که منجر به بروز مسائل حقوقی گسترده ای می گردد. در مواردی جانشینی منجر به تغییر شخصیت حقوق بین المللی یک سرزمین می گردد (مثل تجزیه یک کشور و ایجاد کشور جدید، اضمحلال یک کشور پیشین و تجلی چند کشور جدید) یا منجر به تغییر مسئول روابط بین المللی یک سرزمین می گردد (مثل استعمار و رها شدن کشورها از سلطه استعمار) یا مسئول و حاکمان و اداره کننده سرزمین از یک کشور به کشور دیگر منتقل می شود (مثل الحاق بخشی از یک کشور به کشور دیگر)^۱

این تغییر شخصیت حقوقی با تغییر ماهیت حقوقی کشور پیشین و تغییر حاکمان در عرصه بین المللی و داخلی منجر به بروز تأثیرات گسترده بر روابط بین المللی و سرزمین مردمان آن و تأثیرات شگرف بر نظام حقوق داخلی آنها می شود.^۲ این موضوع تنها محدود به این حقوقی نیست باشد بلکه منجر به تغییرات اساسی در نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بین المللی می گردد. ابعاد سیاسی جانشینی کشورها بسیار گسترده است. تغییر شخصیت حقوقی کشور پیشین به کشور جانشین منجر به تغییرات جدی در نظام سیاسی حاکم بر سرزمین موضوع جانشینی می گردد. چرا که کشوری جدید مستقلاً به تصویب و تدوین قانون اساسی مبادرت می ورزد. در خصوص بحث بخشی از یک کشور به کشور دیگر نیز نظام سیاسی حاکم بر یک سرزمین از یک کشور به کشور دیگری تغییر می یابد. از بعد داخلی نحوه انتخاب حاکمان، نظامهای سیاسی، گروه ها و جناح ها و نحله های فکری و گروه های

^۱ Keith Beridale Arthur: The Theory of State Succession With Special Refrences to English & Colonial Law, Waterlow & Sons Publisher, 1907, p.25-30

^۲ Oconnell Daniel Patrick: "State Succession in Relation to New States", 130, Recueil Des Cours 1970, p. 95-108

دینفود در رابطه مردم با دولت و نفوذ عقاید سیاسی و حتی ترکیب جمعیتی سرزمین موضوع جانشینی دستخوش تغییرات جدی می‌گردد و از بعد بین‌المللی نیز نحوه تعامل سرزمین موضوع جانشینی با سایر کشورها و گروه‌بندی‌های احتمالی و اولویت‌های سیاسی آن سرزمین در سطح جهانی می‌تواند تحول جدی یابد. از نظر عملی نیز با تغییر شخصیت حقوقی یک سرزمین ممکن است فلسفه سیاسی و اصول حاکم بر سرزمین جدید دستخوش تغییر جدی گردد. از نظر اجتماعی با تغییر نظام حاکم بر سرزمین موضوع جانشینی، ممکن است عناصر حاکم بر رفتار اجتماعی و نظامی حقوقی حاکم بر اینگونه رفتارها از یک سوی اولویت‌های نظام سیاسی پیشین در عرصه اجتماعی و عرف حاکم بر رفتار اجتماعی از سوی دیگر متحول گردد.

به واسطه جانشینی کشور ممکن است نظام اقتصادی سرزمین به گونه‌ای جدید متبلور گردد و شاخصهای اقتصادی جدید تعریف گردد و نظام اقتصادی پیشین منسوخ گردد. کما اینکه نظام اقتصادی کشورهای استقلال یافته از کشورهای پیشین و به‌ویژه شوروی، اساساً با رویه اقتصادی شوروی و یوگسلاوی متفاوت بود. در واقع نظام اقتصادی جدید در کشورها از نظام سوسیالیستی و کمونیستی به نظام اقتصاد آزاد تغییر کرد که این موضوع کلیه شئون اقتصادی این کشورها را تحت الشعاع قرار داد.

تغییرات اقتصادی تنها مربوط به نظام اقتصادی کشورهای جانشین نمی‌باشد بلکه تغییر شخصیت حقوقی ارگانها و دستگاه‌های اجرایی-اداری سرزمین موضوع جانشینی نیز تأثیرات مهمی بر شخصیت حقوقی این دستگاه‌ها می‌گذارد، به طوری که خود بنود این موضوع مطرح می‌گردد که آیا بواسطه جانشینی تغییراتی در شخصیت حقوقی این موجودیت‌ها و به نتیجه در حقوق و تعهدات و تکالیف آنها به وجود می‌آید یا خیر.^۱

از سوی دیگر تغییرات اقتصادی احتمالی، تأثیر مستقیم بر زندگی مردم می‌گذارد و رابطه اقتصادی آنها و روابط اقتصادی اتباع کشورهای دیگر با یکدیگر و حتی روابط اقتصادی مردم با حاکمیت پیشین را متحول می‌سازد.

از منظر بین‌المللی نیز تغییر شخصیت حقوقی بین‌المللی حاکم بر سرزمین موضوع جانشینی، دلالت بر تغییر یک طرف روابط اقتصادی بین‌المللی (یعنی کشور) دارد و حوزه این تغییر بر مبادات اقتصادی و تجاری میان سایر کشورها و سرزمین موضوع جانشینی تأثیر می‌گذارد.^۲

اما دامنه بحث تغییر شخصیت حقوقی تنها مربوط به مسائل فوق نمی‌باشد بلکه مسائلی همچون اهلیت تمتع و استیفای سرزمین موضوع جانشینی تحت نظام کشور جانشین را تحت الشعاع قرار داده و از سوی دیگر

^۱ Mrak Mojmir: Succession of States, Martinus Nijhoff Publisher, Kluwer Law International, 1999 p. xv-xvi

^۲ Cheng Tai Heng: State Succession & Commercial Obligations, Transnational Publisher, 2006, p.8-12

موضوع شراکت و دخالت سرزمین موضوع جانشینی در اموال کشور پیشین را پیش رو قرار می دهد و مساله اساسی که مطرح می کند آن است که آیا کشور جانشین در اموال کشور پیشین ذیحق می گردد یا خیر.

ممکن است کشور پیشین تعهدات و الزاماتی نسبت به سایر کشورها یا اشخاص داشته باشد و علی القاعده این تعهدات ممکن است مبتنی بر تعهدات قراردادی نباشد. بلکه ممکن است تعهدات و الزامات خارج از قرار داد مطرح باشد که در نظام انگلوساکسون از آن به تعهدات شبه جرم گفته می شود و در نظام حقوقی ایران از آن به عنوان الزامات خارج از قرارداد یاد می شود. با تغییر شخصیت حقوقی کشور پیشین بحث این الزامات و تعهدات احتمالی کشور جانشین نیز بعنوان یک مساله ناشی از جانشینی کشورها تجلی می یابد. تعهدات و حقوق کشور جانشین چه در نظام داخلی و چه بین المللی از مسائل مهمی است که متعاقب جانشینی مطرح می گردد. به عنوان معنا که بالاخره کشور جانشین چه حقوقی را از ناحیه دخیل بودن در نظام سیاسی، حقوقی اقتصادی کشور پیشین به دست می آورد و چه تعهداتی نیز بر آن بار می شود و بعلاوه تاثیر انواع جانشینی بر این حقوق و تعهدات چه می باشد.

حقوق و تعهدات کشور جانشین تنها به حیطه اقتصادی مربوط نمی شود بلکه مساله تعهدات این کشور در معاهدات حقوق بشری - معاهدات بین المللی - تعهدات زیست محیطی - تعهدات ناشی از زندگی در نظام بین المللی - تعهدات ناشی از قواعد آمره بین المللی - تعهدات ناشی از قواعد عام الشمول و مسئولیت بین المللی کشور و... نیز مطرح می شود.

ابعاد تغییر در نظام حقوقی کشور جانشین تنها محدود به تغییر در حقوق عمومی کشور نمی شود بلکه معمولاً منجر به تغییر در قوانین مدنی کشور پیشین نیز می گردد که این تغییرات، مساله روش اعمال قوانین را در کشور جانشین مطرح می سازد.^۱ البته در بسیاری از موارد تغییر قوانین از طریق نظام داخلی کشور جانشین اعمال می شود و حقوق و تعهدات افراد از طریق قانون داخلی پس از مدتی بعدی حل می شود. اما مساله زمانی پیچیده تر می شود که بحث تعهد کشور جانشین به رعایت اصول یا قواعد اصول به موجب مقررات حقوق بین الملل مطرح شود. در این خصوص می توان به طور مثال به حقوق بشر و اتباع بیگانه به موجب قوانین عام الشمول بین المللی اشاره کرد. مشکلی جدی که در این باره معاهدات می شود آن است که آیا کشور جدید به محض پیدایش متعهد به حقوق بین الملل به طور اتوماتیک می باشد یا می بایستی تشریفات صورت پذیرد و یا تعهدات از تنها ناحیه کشور پیشین به این کشور تعلق می پذیرد. مسلم است که تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور جانشین به موجب قوانین صورت می پذیرد. اما مساله اساسی در این خصوص آن است که دامنه تغییر در نظام حقوقی کشور جانشین پس از جانشینی

^۱ Oconnell D.P: State succession in Municipal Law.& International Law, Cambridge University Press, 1967, p.102-141

چقدر است و محدودیت های این تغییرات چیست و آیا تعهداتی داخلی و بین المللی در این خصوص وجود دارد؟ بعلاوه چه محدودیت هایی در حوزه اقتصادی برای کشور جانشین موجود می باشد و مشروعیت این اقدامات چگونه است؟

مسلم است که بعلت گستردگی مسائل تحت الشعاع جانشینی کشورها، نمی توان به راحتی تمام ابعاد جانشینی کشورها را در این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار داد.

آنچه به عنوان موضوع این نوشتار انتخاب شده است «ابعاد حقوقی جانشینی کشورها در حوزه اقتصادی» می باشد.

در این راستا سه عنصر اساسی می بایستی مدنظر قرار گیرد: (۱) ابعاد حقوقی (۲) تاثیر جانشینی (۳) اقتصاد

(۱) ابعاد حقوقی جانشینی: لالت بر تغییرات در نظام حقوق داخلی و بین المللی می باشد. در این راستا به دنبال آنستیم تا ببینیم که تمام حقوق و تعهدات کشور جانشین در رفتار با سایر اشخاص حقیقی، حقوقی، بین المللی و سازمانهای بین المللی که به نوعی با حوزه اقتصاد ارتباط دارد را بررسی کنیم. بلکه به دنبال آنستیم که حقوق و تعهدات موجود در حقوق و عرف بین المللی را که به صورت بدون واسطه و مستقیم در رفتار کشور جانشین در حوزه های اقتصادی قابل طرح هستند و در ادبیات حقوقی بعنوان ابعاد اقتصادی جانشینی کشورها از آنها یاد شده را بررسی نماییم. از این رو در این نوشتار اساساً از بحثن به بحثهای مرتبط با تغییرات اقتصادی متعاقب جانشینی که در راستای مباحث حقوقی نباشد، اجتناب می گردد.

«ابعاد حقوقی»

به طور کلی حقوق و تعهدات بین المللی کشور جانشین که ارتباط با حوزه اقتصادی دارد در پنج قالب کلی قابل طرح است:

(۱) حقوق و تعهدات کشور جانشین در رفتار با اتباع خودی در حوزه اقتصاد: که به طور کلی اشاره به دامنۀ رفتار کشور جانشین اعم از قانونگذاری و اجرایی و تعهدات بین المللی کشور جانشین در رعایت حقوق اتباع کشور خود می باشد. این موضوع تحت عنوان «تعهدات حقوق بشری» در قالب میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶^۱ و اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح می باشد. این موضوع در قالب بحث های حقوق بشری و حقوق بین الملل بشر قابل طرح است که اگر جنبه آمره

^۱ Convention on Economic & Social & Cultural Rights, 16 december 1966, General Assembly, Resolution 2200

آن مبتنی بر مفهوم *jus cogens* مورد توجه قرار نگیرد در پاره ای مصادیق در قالب موضوع تعهدات معاهداتی کشور جانشین نیز قابل طرح می باشد.

۲) حقوق و تعهدات معاهداتی کشور جانشین: مهمترین سند بین المللی در این خصوص معاهده وین ۱۹۷۸ با عنوان «ابعاد حقوقی جانشینی کشورها بر معاهدات»^۱ می باشد که نحوه رفتار کشورهای طرف یک معاهده را با کشور جانشین و کشور پیشین مطرح می سازد. این معاهدات ممکن است اقتصادی یا غیر اقتصادی باشند.

۳) حقوق تکالیف کشور جانشین در رفتار با اتباع بیگانه در حوزه اقتصادی: تعهد کشور جانشین در قبال اشخاص تنها محدود به قواعد حقوق بشری نمی گردد بلکه قاعده ای بین المللی مبتنی بر عرف بین الملل وجود دارد که به «رعایت حقوق مکاتبه اقتصادی اتباع بیگانه» اشاره دارد. رعایت حقوق مکاتبه اتباع بیگانه جنبه عام دارد همه کشورها ملزم به رعایت آن می باشند.^۲ مساله ای که در این خصوص قابل طرح است حدود و ثغور اعمال این قاعده بین المللی و نحوه رفتار کشور جانشین با کشور متبوع بیگانه در قالب حقوق بین الملل برای پیگیری این حقوق می باشد.

۱- حقوق و تعهدات کشور اعم جانشین نسبت به اموال و دیون کشور پیشین؛ در واقع در این حوزه اموال بانک مرکزی، دیون قابل مطالبه کشور پیشین از اشخاص و کشورهای دیگر، وضعیت اسکناس و سکه رایج کشور پیشین، مساله طایفه گم گم کی و مالیاتی کشور پیشین، سایر مطالبات کشور پیشین، تقسیم و تخصیص اموال کشور پیشین و در نهایت تخصیص دیون کشور پیشین مطرح می باشد.

در این خصوص مقررات حقوق بین الملل قابل اعمال بر مساله می باشد که در فصلهای بعد به آن اشاره خواهد شد.

۵- تعهدات کشور پیشین در قالب مسئولیت بین المللی آن کشور ناشی از اعمال متخلفانه کشور پیشین و تعهدات مبتنی بر الزامات خارج از قرارداد در قبال اشخاص و اتباع بیگانه^۳ علی رغم آنکه پنج سرفصل اخیر ارتباط با بحث اقتصاد دارد، اما ارتباط ملل حقوق و تعهدات کشور جانشین در ارتباط با اتباع خودی با موضوع حقوق بشر می باشد نه بحث اقتصاد. مقوله حقوق و تعهدات معاهداتی کشور جانشین نیز سرفصلی مجزا در بحث جانشینی کشورها دارد که در ادامه بحث می آید.

^۱ Vienna Convention on Succession of states in Respect of Treaties, 1978 U.N.doc-A/CNF.80/31

^۲ Yearbook of International Law Commission, state succession in matters of acquired rights 1969 vol.II p.70 90

^۳ Dumbary Patrick: "The Controversial Issue of State Succession to International Responsibility", Revisited in Light of Recent Practice-German Yearbook of International Law, 2006, vol49, p.413

هم به موضوع اقتصاد و هم سایر تعهدات کشورهای متأثر از جانشینی مرتبط می باشد که دارای ابعاد گسترده و نسبتاً پیچیده حقوقی می باشد. بحث تعهدات کشور پیشین ناشی از اعمال متخلفانه بین المللی نیز حوزه ای به کل جداگانه است که در راستای بحث مسئولیت بین المللی ناشی از تخلفات بین المللی قابل طرح می باشد.

در ادبیات حقوقی بین المللی معمولاً مشاهده شده است که «ابعاد اقتصادی جانشینی کشورها» اشاره به جانشینی بر اموال و دیون کشور پیشین در قبال سایر کشورها دارد و در این راستا از مفهوم جانشینی کشورها بر معاهدات جدا قلمداد شده است¹ و هنگام طرح این موضوع سخنی از تعهدات کشور جانشین در قبال اشخاص سایر کشورها به موجب حقوق بین الملل نمی شود.²

در عین حال رفتار اقتصادی حاکمانه کشور جانشین در قبال اتباع خودی و قراردادهای تجاری کشور پیشین با اتباع بیگانه که منجر به حاکمیت و اجرایی بودن (مثل قراردادهای تجاری خرید اجناس) از حوزه بحث خارج است. گزارش های اولیه گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل مقوله دیگری هم در راستای بحث ابعاد حقوقی جانشینی کشورها در حوزه اقتصادی مطرح شد و آن رعایت حقوق مکتسبه اتباع بیگانه بود که بعداً از موضوع کنار گذاشته شد. به عبارت دیگر ابعاد حقوقی جانشینی در حوزه اقتصادی، به مسائلی مثل اعمال حاکمانه و تعهدات حاکمانه کشور پیشین (اعم از قراردادهای اجرایی، حق امتیازها یا قراردادهای سرمایه گذاری خارجی، حق بر غل با جنبه مالی) در قبال اتباع کشور ثالث تعمیم داده شد و گزارشگر تلاش داشت این مسائل را همراه تقسیم و تخصیص اموال کشور پیشین و دیون کشور پیشین (که دارای ماهیت وام های خارجی و داخلی، اعتبارات قرضه واسکناس رایج می باشد)، مورد ارزیابی قرار دهد، که بعدها گزارش های مربوط به موضوع حقوق مکتسبه اتباع بیگانه متعاقب جانشینی در متن کنوانسیون جانشینی کشورها در اموال و بایگانی و دیون مورد مطالعه قرار نگرفت. در این کتاب هم حقوق مکتسبه اتباع بیگانه در کنار اموال و دیون کشور پیشین مورد بررسی قرار خواهد شد. در اینجا لازم است اشاره شود که دیون کشور پیشین اختصاصاً به دیونی اشاره دارد که مکتسبه اخذ وام توسط کشور پیشین را داشته باشد نه معاهدات تجاری و اقتصادی دیگر. کشور پیشین ممکن است وام دهنده باشد در این حالت وام اعطایی به ثالث در زمره اموال کشور پیشین قابل طرح است و واقعاً اگر که حکومت مرکزی یا مقامات صالح محلی به نوعی در راستای استقراض عمل نمایند در حوزه این بحث به قرار می گیرد (منطبق با ادبیات استاندارد بین المللی). معاهدات اقتصادی اعم از سرمایه گذاری یا اعطای میان کشورها که دارای خاصیت استقراضی نباشد از حوزه این بحث خارج می گردد.

با توجه به مسائل مطرح شده نوشتار اخیر به سه سرفصل تقسیم خواهد شد:

¹ رجوع شود به کنوانسیونهای ۱۹۸۳ و ۱۹۷۸ وین

² Mrak, op cit, p.63

- (۱) حقوق مكتسبه اتباع بيگانه متعاقب جانشيني در قبال تعهدات كشور پيشين
- (۲) جانشيني كشورها در حوزه اموال كشور پيشين
- (۳) جانشيني كشورها در حوزه ديون استقراضی و حاکمیتی كشور پيشين كه بعنوان اعمال حاکمیت تجلی یافته است.

www.ketab.ir